



سلام مش غلام حالتان خوب است ؟

دارم برایتان سلامی از فرنگ ، اینجا همه حالشان خوب است ، شرب خمر و قمار و پاسورشان جور است ، روز یکشنبه هم کلیسایشان جور است .

راستی اینجا شده است غوغایی ، از این تماس تلفنی ،

همه میگویند تمام شد دیگر ، کار مملکت اسلامی .

سی و اندی سالشان به باد دادیم، البته قبل تر هم برنامه ها داشتیم...

اینجا همه امید دارند به خبر های بدی در آینده...

بگذریم حال خودت خوب است؟ پسر، دختر، زن بیچاره ات خوب است؟ یارانه دهک پاینتان جور است؟ چرخ توسعه به شا رسیده ؟

خاتمی کار دیگری نکرد؟ زندانی سیاسی آزاد نکرد ؟

فراهای چطور به با بی دینی؟ فیلم های جدیدش را میبینی؟

راستی از هاشمی چه خبر داری ؟ شنیده ام خاطرات شنیدنی دارد .

رسانه ها هنوز می تازند ؟ از سازش و وادادگی و گفتگو میخوانند ؟ مدعیان چرا خاموشند ؟ مجلسیان مگر اصول نمی گرایندند ؟

\*\*\*\*\*

سلام مش غلام هستم .

چون خدا هست حالم خوب است .

زن بیچاره ام مُرد دیشب ، از تماس تلفنی،از این همه ذلت .

جان کری هم به خود می نازد وقتی بر ظریف می تازد .

خون این همه شهید به باد رفته ، آرمان خمینی به فنا رفته ،

دوستان احمدی اخراج می شوند یعنی که غنی سازی به فنا رفته .

ای کاش جای برادرم بودم ، در شامچه،من آرمیده بودم .

مدعیان همه خاموشند ، دنبال تیغ و ژلئت و ماشین ریش تراشی می گردند .

مجلس اصول گرا هم حباب بوده ...

جنس ها روز به روز گران شده ، خبر از واردات بیشتر شده...

دخترم کی ژیکول شده ، یعنی ز قیودی آزاد شده،دانشجوی دانشگاه آزاد شده...

پسرم به مهندسی می نازد ، با حفظ سمت ،با خیل بیکاران می سازد...

به لطف خدا هنوز زنده ایم ، آرمان خمینی در سینه داریم ،

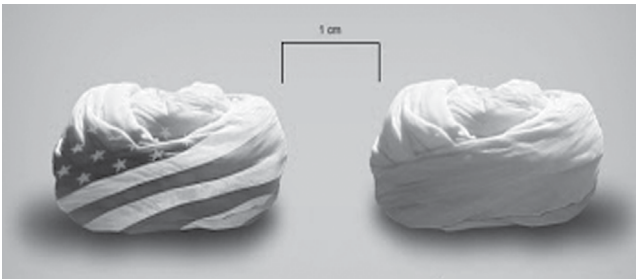
پوست و استخوان شده ایم ، گوژ پشت اما سرفرازیم ،

در خانه فیلم ده نمی می بینیم ، با اینکه ما را تند رو ، افراطی و ...

می خوانند ، بر اقامه دین خدا پافشاریم

نویسنده: سجاد رضایی رایبی

گردآورنده: مجتبی هاشمی



« فریاد برائت از مشرکان در مراسم حج و این يك فریاد سیاسی- عبادی است که رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم، به آن امر فرمود. حال باید به آن آخوند مزدور که فریاد مرگ بر امریکا و اسرائیل و شوروی را خلاف اسلام می داند گفت تأسی به رسول خدا و متابعت از امر خداوند تعالی خلاف مراسم حج است؟ آیا تو و امثال تو آخوند امریکایی فعل رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- و امر خداوند را تخلف می کنی، و تأسی به آن بزرگوار و اطاعت فرمان حق تعالی را بر خلاف می دانید و مراسم حج را از برائت از کفار تزیه می کنید، و اوامر خدا و رسول را برای منافع دنیایی خود به طاق نسیان می سپارید، و برائت و نفرین را نسبت به دشمنان اسلام و محاربان با

## نرمش یا کرنش

زیر پا بگذارد یعنی یا نظام اسلامی از دشمنی با اسرائیل دست بردارد و این کشور جعلی را به رسمیت بشناسد و تمام ارزش های خود را به یکباره تبدیل به زد ارزش کند و یا اینکه آمریکا و کل جبهه ی استکباری غرب دست از حمایت اسرائیل برداشته و حق را به حق دار بازگردانند



هر دوی این اتفاقات غیر ممکن اند چرا که شیشه ی عمر نظام اسلامی در واقع اصول انقلاب است و شکستن آن عملاً نظام اسلامی را نابود میکند و همچنین اگر آمریکا دست از حمایت اسرائیل بردارد قطعاً حکم قبض روح خودش را به دست ملک الموت داده است. با این همه چالش بر سر بود و نبود اسرائیل تنها بهانه ای است برای اینکه همگان دلیلی واضح برای دشمنی این دو جبهه در ذهن خود داشته باشند و گر نه تقابل نظام اسلامی

و نظام استکباری بسیار عمیق تر و اصولی تر از این دیدگاه سطحی است. با این همه امروز عملکرد دولت به نام نرمش بر سر زبان هاست اما این نرمش چگونه نرمشی است؟ نرمشی که بر طبق فرمایشات امام خامنه ای(روحی له الفداء) باید قهرمانانه می بود، ولی پیامد های این نرمش نشان می دهد که نه تنها قهرمانانه نیست بلکه مصداق کرنش ذلیلانه است و گواه این تعبیر، تیترو هابی است که در این مدت شکستن مقاومت اسلامی در مقابل استکبار جهانی را به دشمنان نوید می دهد.

قرار بود با نرمشی قهرمانانه پشت دشمن را به خاک بمالیم ولی اکنون باید نظاره گر پیامدهای این حرکت در آینده باشیم و سپس از خود پرسیم که چگونه فردی که خود را دیپلمات می داند در محاسبات کودکانه ی دنیای سیاست دچار خطا می شود...احتلال باید در باب بهاری جدید "خود دیپلمات پنداری" به زودی مقاله ای به تحریر درآوریم./

نویسنده: فاطمه.س



جامعه ما جهانی فکر می‌کنند و این شعار را در ادبیات سیاسی خود حذف نخواهند کرد، چون معتقدند که باید به کارهای آمریکا در دیگر نقاط جهان هم باید توجه کرد، اما اینکه بخشی از مردم به خاطر تغییر رفتار آمریکا شعار مرگ بر آمریکا را حذف کنند، ممکن است در آینده اتفاق بیفتد.

این مطلب که ایرانی‌ها خواهان نابودی آمریکا هستند. واقعا در جامعه آمریکا این تصور نمی‌شود. من در لندن در یک تظاهرات دستگیر شدم. در گفت‌وگویی که داشتیم خود پلیس هم معتقد بود که این شعار ناظر بر مردم آمریکا نیست، بیشتر متوجه اقدامات آمریکا در جهان است. مردم آمریکا وقتی سیاست‌کشورشان را در افغانستان، عراق و دیگر نقاط جهان می‌بینند دلیل اصلی شعار مرگ بر آمریکا را متوجه می‌شوند. مردمی که در ایران شعار مرگ بر آمریکا را می‌دهند به خاطر نعدوستی‌شان مردم آمریکا را خطاب قرار نمی‌دهند، آنها با شهروندان آمریکایی هیچ مسأله‌ای ندارند. اما ممکن است در آمریکا افرادی باشند که به دلیل عدم اطلاع درست و تبلیغات نادرستی که می‌شود تصور کنند که منظور، شهروندان آمریکایی و ملت آمریکاست که تصور نادرستی است و با آگاهی بخشی قابل تعدیل است. اما نخبگان آمریکا چنین تصویری را ندارند.

مادامی که تصور آمریکایی‌ها از رابطه با ایران، یک رابطه گرگ و میشی باشد. تصور حذف چنین شعار و رابطه با آمریکا خیلی خوشبینانه است. نباید درباره رابطه با آمریکا ذوق زده شویم. البته برای اینکه مردم در داخل و خارج با واقعیات جامعه جهانی آشنا شوند بهتر است در جریان پشت پرده مذاکره با آمریکا قرار بگیرند.

## کاریکاتور



برای اینکه بدانیم پیشینه شعار مرگ بر آمریکا چیست لازم است در ابتدای امر صورت مسأله را به صورت تاریخی روشن کنیم. کودتایی که در سال 1299 با حمایت انگلیسی‌ها در کشور انجام شد، خط بطلانی بود بر تلاش مردم ایران در جهت برقرار کردن دموکراسی و مشروطه‌خواهی، در آن مقطع. با انجام این کودتا و حوادث پس از آن تمام دستاوردهای مشروطه بر باد رفت. به مرور زمان دولت انگلستان جایش را به آمریکا می‌دهد، دولت آمریکا به اعتراف خودش در جریان کودتای 28 مرداد سال 32 نقش عمده‌ای در سرنگونی دولت مصدق ایفا می‌کند. درحالی که دولت دکتر مصدق اصولاً دولت تندرستی طبق تعریف آمریکا محسوب نمی‌شد و اقدامی هم علیه دولت آمریکا انجام نداد. رفتار مصدق هم با دولت آمریکا خوب بود؛ شعار مرگ بر آمریکا هم نمی‌داد اما ساقط شد. به دنبال آن یک رژیم مستبد و وابسته را روی کار آوردند، دولت روی کارآمده بعد از کودتای 28 مرداد یک دولت کاملاً وابسته به آمریکا بود. برخورد خونین با یک اعتراض دانشجویی در آذر 32 در آستانه ورود نیکسون، معاون رئیس‌جمهور آمریکا به ایران، سر آغاز برخوردهای غیر انسانی و دهم‌نشانه رژیم وابسته پهلوی است. سرکوب قیام مردم به رهبری امام خمینی (ره) در 15 خرداد 42 و پس از آن، زندانی کردن و شکنجه جوانان آزادی‌خواه این زاد بوم، نماد دیگری از استبداد خشن رژیم وابسته با اتکا به آمریکا است. مقابله با انقلاب اسلامی، پناه دادن به شاه در حمایتی آشکار از سیاست‌های او، تبدیل سفارت آمریکا به محلی برای تبلیغات و جاسوسی علیه انقلاب، راه اندازی و حمایت‌های بی دریغ از کودتاهای پی در پی در کشور، تحمیل جنگ تمام عیار علیه یک ملت شریف و آزادی‌خواه، تحریم‌های فزاینده پس از قطع رابطه یک طرفه از سوی خود آمریکا، به ویژه تحریم‌های هسته‌ای ضد انسانی به رغم پیوستن ما به NPT و حق قانونی دانش هسته‌ای، نمودهایی دیگری از تعدیات آمریکا در این کشور است، حالا من از شما می‌پرسم چرا ما مرگ بر آمریکا می‌گوییم؟ در واقع پرسش اصلی این است که چرا مرگ بر آمریکا نگوییم؟ مرگ بر آمریکا اعتراض به همه تبعیض‌ها و برخوردهایی است که آمریکا در طول تاریخ با مردم ایران داشته است. شعار مرگ بر آمریکا به عقیده من یک شعار دولتی نیست بلکه یک شعار مردمی محسوب می‌شود.

شعار مرگ بر آمریکا کمترین اقدامی است که می‌توانیم در اعتراض به اجحاف‌هایی که آمریکا به ما روا داشته است، داشته باشیم. به عقیده من شعار مرگ بر آمریکا یک شعار دولتی محسوب نمی‌شود یک شعار مردمی است. این حداقل مقاومتی است که مردم می‌توانند مقابل آمریکا داشته باشند. در مورد شعار مرگ بر شوروی هم مردم این شعار را خود به خود حذف کردند، چون این کشور در تمامیت خود روبه اضمحلال بود و دلیلی برای تکرار این شعار وجود نداشت، مردم با تیزهوشی خود این شعار را حذف کردند.

وقتی شعار مرگ بر آمریکا از حیز انتفاع خارج می‌شود، که آمریکا واقعاً در سیاست خارجی خود با ایران وارد یک تعامل جدید شود، یعنی اینکه برخلاف گذشته دیگر رابطه‌اش را با ایران براساس رابطه گرگ و میش تنظیم نکند. تا وقتی که رابطه آمریکا براساس رابطه گرگ و میش، غیر منصفانه و نا برابر باشد، حذف شعار مرگ بر آمریکا امکان‌پذیر نیست. اما اگر سیاست آمریکا نسبت به ایران تغییر کرد، می‌توان امید داشت بخشی از جامعه شعار مرگ بر آمریکا را حذف کنند. البته باید توجه داشت بخشی از

انقلاب، این برکت بزرگ را داشته است که امروز دنیای اسلام به چشم عظمت نگاه میکند. وقتی مسئولین کشور شما به کشورهای مختلف سفر میکنند، آنجور استقبالی از آنها میشود. وقتی حسابگرها میخواهند محبوبیت شخصیت‌های سیاسی را محاسبه کنند، مسئولین کشور شما در ردیف اول قرار میگیرند. ملت ایران کارش الگو شد؛ امروز دارید نشانه‌های این را مشاهده میکنید. این برکت بزرگ و این خصوصیت از خصوصیات است که جز با گذشت زمان معلوم نمیشود.

گردآورنده:محمدجواد میری

غیر بهینه از این آب استفاده می‌شد.

با آبی که برای آبیاری یک باغ هزار متری استفاده می‌کردیم می‌شد یک باغ ۱۰ هزار متری را آبیاری کرد.

کارکرد تحریم‌ها مانند آن بود که سهم آب باغ ما را از ۱۲ ساعت به ۲ ساعت کاهش یابد، این میزان آب باز هم برای این باغ کافی بود و ما آنقدر منابع داشتیم که بتوانیم اقتصاد کشور را به درستی اداره کنیم اما آبراه‌های اقتصاد ایران به قدری بد طراحی شده بود و سازوکارها به حدی غیرکارآمد ایجاد شده بود که آن میزان منابع کم آمد و به بعضی بخش‌ها نرسید.

اگر ما اقتصاد مقاومتی که از رهبر معظم انقلاب چند سال پیش گفتند را پیگیری کرده بودیم دچار این همه مشکلات بسیار نمی‌شدیم، و ما باید از مسولین بخاطر ساختار بد اقتصادی طلبکار باشیم تا سیاست‌های کشور. هر چند که تغییر در سیاست‌های خارجی معجزه نمی‌کند و رابطه با آمریکا تضمین‌کننده حل مشکلات اقتصادی نیست.(مگر یونان و ایتالیا و اسپانیا با آمریکا رابطه نداشتند؟! ) صرف رفع تحریم‌ها و رابطه با آمریکا که برآورده کردن خواسته‌های طرف مقابل را می‌طلبد تا چه اندازه پیشرفت اقتصادی ایران را تضمین می‌کند.

تحریم‌ها ما را به یکی از هدف‌های اقتصاد اسلامی که استقلال اقتصادی است نزدیک کرده.

بزرگترین کمک تحریم به ما:تحریم نقاط ضعف ما را اولویت بندی کرد و به ما نشان داد تا چه حد اقتصادمان را بد طراحی کرده ایم. منافع همه دولت‌ها استفاده حداکثری از رانت نفت بوده است و سازوکارهای فروش نفت ایران همواره محل مناقشه بوده.

تحریم و معضل قدیمی شفافیت نظام ارزی؛ ارز فراوان کشور را بدون حساب و با قیمت پایین خرج می‌کردیم و بانک مرکزی از تخصیص ارز در کشور بی اطلاع بود، تحریم باعث شد پرتال ارزی را برای رصد ارز راه‌اندازی کنیم.

تحریم‌ها می‌تواند ما را به سوی اصلاح ساختارها هل بدهند و ما باید یاد بگیریم از آجرهایی که به طرف ما پرتاب می‌شود پله بسازیم.

نویسنده: صادق پوره‌اشی

گوشه ای از بیانات آقا در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

خیلی‌ها بودند از همان اوائل انقلاب، میگفتند آقا حالا که انقلاب پیروز شد، دیگر بس است؛ برویم با آمریکایی‌ها مسائل را تمام کنیم! این معنایش این بود که شعار ظلم‌ستیزی انقلاب تحفظه شود. این را تشویق میکردند. در طول زمان، بودند کسانی که دنبال این بودند؛ یعنی برویم با آمریکا همراه شویم؛ آن کسی که دشمن اصلی ماست، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیه‌ی فلسطین است. معنای این حرف، اغماض کردن از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان و امثال

## اقتصاد و تحریم‌ها

از همان روزی که دعوت پیامبر به اسلام شروع شد، پیامبر را به شکل‌های مختلف در تنگنا قرار دادند و تحریم‌ها و فشارهای مختلفی به پیامبر و خاندانش وارد شد.

پس از گذشت 1400 سال از آن تاریخ، فقط در نقطه‌ای از جهان اسلام علیه دشمنان خارجی و اسلام امریکایی قیام شد و حکومت جمهوری اسلامی ایران برقرار گردید؛ لذا فشارها، تهدیدها، ترورها و تحریم‌ها متوجه این کشور و ملت شد.

تحریم علیه ایران از جانب کشورهای غربی، به گفته ی آنها در جهت توقف در پیشرفت برنامه اتمی ایران شکل گرفت. در حالی که تأثیرات منفی بر روی اقتصاد ایران گذاشته است وهدف اصلی آن‌ها از تحریم‌ها فشار آوردن به مردم و دلزده شدن مردم از انقلاب بوده، که انقلاب اسلامی دیگر از پشتیبانی عظیم مردمی برخوردار نباشد، البته به دروغ می‌گویند هدف اصلی مردم نیستند و می‌خواهیم به مردم ضربه وارد نیاید.

اما آیا مشکل‌های اقتصادی ما همش بخاطر تحریم بوده؟! آیا تمام این گرانی‌ها و فشارها ناشی از تحریم‌ها بوده؟

تحریم‌ها تأثیر زیادی در اقتصاد ما داشته است، اما در اقتصادی که بی استقلال بوده! در اقتصادی که ساختار درستی نداشته!

اگر چه در سال‌های گذشته استراتژی اقتصادی وجود داشته اما این استراتژی پایدار نبوده و به تناسب زمان و مکان تغییر یافته است؛ به این معنا که یک زمان اقتصاد جنگی ، زمان دیگر اقتصاد دولتی و در یک زمان اقتصاد نیمه دولتی حاکم بوده است در حالی که اگر بخواهیم در اقتصاد از منابع به صورت بهینه استفاده کنیم باید، استراتژی پایداری داشته باشیم.

از 40 سال گذشته همواره نرخ واقعی سود به گفته آقا طیب نیا منفی بوده.

آیا اقتصادی که نرخ سود آن در طول 40 سال منفی بوده، اقتصاد سالمی است؟ آیا چنین اقتصادی در دراز مدت پایدار هست؟! چه رسد به اینکه تحریم هم باشیم.

کشوری که سرشار از منابع طبیعی و غیر طبیعی است، چرا باید اینگونه اقتصادی داشته باشد.

مثال اقتصاد ما مثل باغی است که ۱۲ ساعت در شبانه‌روز سهمیه آب دارد. در چنین شرایطی برای صاحب باغ هیچ اهمیتی ندارد که به فکر اصلاح آبراه‌های داخل باغ باشد تا آب به همه درختان برسد.

قبل از تحریم‌ها وضعیت کشور ما دقیقاً مثل همان باغ بود و لذا برای کسی اهمیتی نداشت که آبراه‌ها را چگونه تنظیم کرده‌ایم. چرا که به قدری آب وارد این باغ می‌شد که به همه جای آن آب می‌رسید و احساس نمی‌کردیم درختی ممکن است خشک شود و به شدت